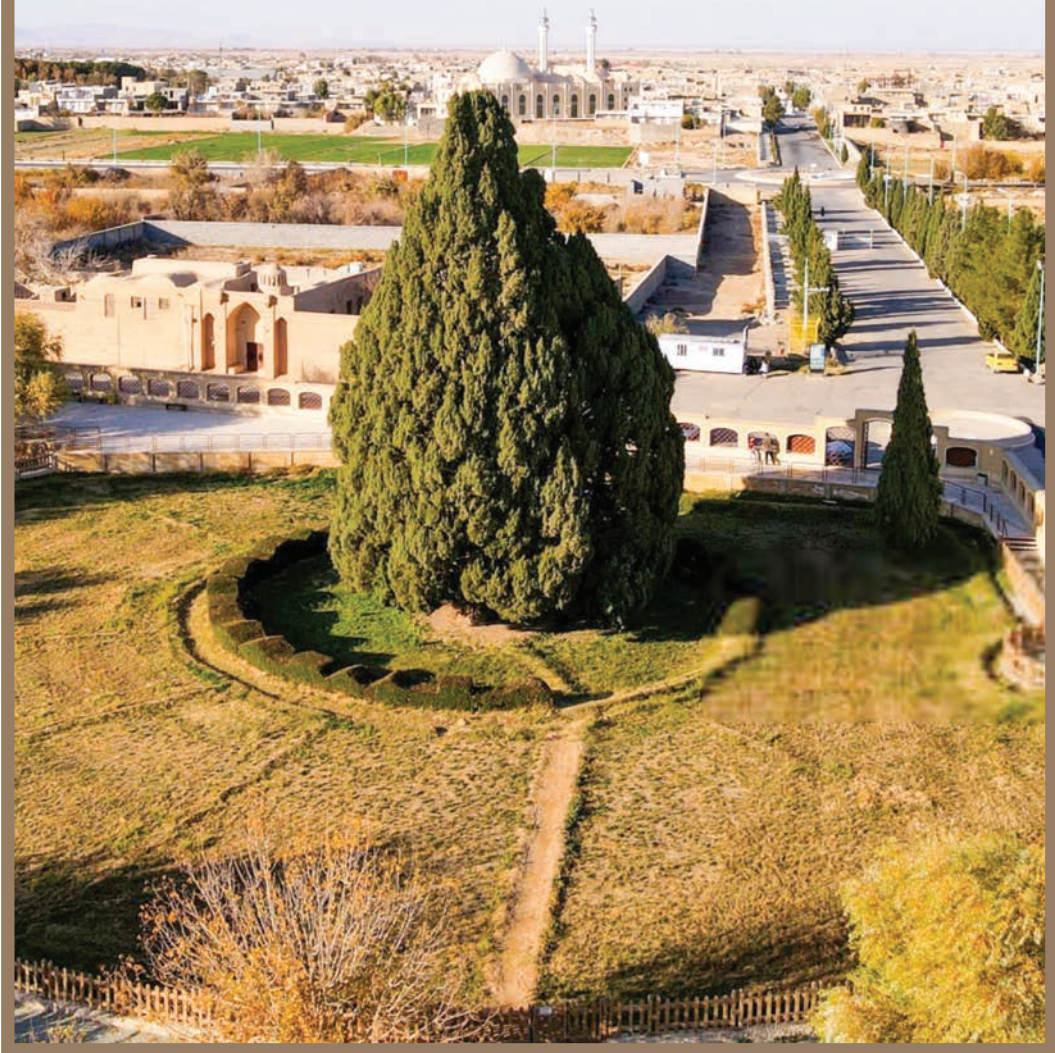


ساخت و ساز اطراف سرو ابرکوه نگرانی فعالان محیط زیست را در پی داشته است

بته جقه سبز ایران در نبرد با تهدیدها

همین صفحه



بررسی نقش تاثیرگذار تئاتر در زمانه بحران در گفت و گو با محمد حسین ناصر بخت

تئاتر، نخستین قربانی هر بحران

شرط نخست داشتن جامعه‌ای انسانی که در آن نیازی به خشونت و جنگ نباشد توجه به هنر نمایش است

با هر رویداد کوچک و بزرگی که در گوشه و کنار کشور رخ می‌دهد، نخستین حوزه‌ای که در دستور کار سازمان است، اطلاع‌رسانی است. این کار را با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خبرگزاری‌ها انجام می‌دهیم. همچنین با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، می‌توانیم به مردم اطلاع دهیم که در کدام مناطق کشور، چه اتفاقی افتاده است. این کار را با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و خبرگزاری‌ها انجام می‌دهیم. همچنین با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، می‌توانیم به مردم اطلاع دهیم که در کدام مناطق کشور، چه اتفاقی افتاده است.

صفحه ۵



یادداشت

ساخت و ساز اطراف سرو ابرکوه نگرانی فعالان محیط زیست را در پی داشته است

بته‌چقه سبز ایران در نبرد با تهدیدها

در دل کویر یزد، جایی که بادهای گرم و خاک خشک قصه‌های هزار ساله را می‌زمزمه می‌کنند، سرو ارگو که با قدمتی پنج هزار ساله ایستاده است؛ درختی که پندار هر که با شاخه‌های تاریخ پیمانش بر سر می‌آید، این سرو می‌تواند، با عمری که برخی از دانشمندان ژاپنی آن را تا هشت هزار سال تخمین می‌زنند، نه فقط یک درخت، بلکه نمادی از آزادی و استواری ایران است. اما خبری که این مهابت‌گرایی هم در گذشته‌ها که در اقدارهای تازه، اتاق نگهبانی این دیوارهای بر حرم این سرو ساخته شده است، از این میراث زنده حفاظت کند. اما این دیوارهای باستان‌های حیاتی که جاندار پارساستانی را تهدید می‌کند، چه می‌تواند بکند؟

مار کو پولو در سفرنامه‌اش از شکوه آن
گفته است: افسانه‌ها این سرور را به «یافت»
بسر نوح، یا حتی زرتشت نسبت می‌دهند،
که گویا پدر آن را در ابرو کاشته و نوید
درختی جاویدان داده است. برخی نیز آن
را به قوم اصحاب رس، که درخت پرست
دوئند، پیوند می‌زنند. این سرو، که به «سرو
زرتشت» هم شهرت دارد، نه فقط یک
جاذبه، بلکه بخشی از هویت فرهنگی
ایران است.

فغان نبادان، رگ حیات گمشده
 هر ماه بود که فغان تاریخی نبادان، با قلمی
 شریب از اسلام، رگ حیات سرور را که در
 کوه نامش از «... فغان، که فغان، که فغان»
 «توانان» گرفته شد و در رگ گوشتی
 «نبتیان» خوانده می‌شود، از جنوب و جنوب
 غربی بی‌رگه می‌گذرد و روز گاری بی‌چار
 سیاب، یک سر دباب، یک پخیال و باغ‌های
 سیاه را تا زمین می‌برد. محله‌ای در رگ‌های
 سیاه از این فغان شناخته می‌شود. اما این رگ
 حیات، با لوله‌گذاری و برداشتن بی‌رویه از
 چاه‌ها، حال خوشی ندارد و عده‌ای از خشک
 شدن آن خبر می‌دهند. حسین در پوش،
 کارشناس فغان و فغان حیات پیوسته زیست‌زی
 گوید که تغییر منبع آب مسووب به چاه،

سر و کهنسال و «بته جقه»، نماد
ایستادگی ایران

در قلب بارکوه، شهری که در کویر یزد
را می‌دید، سرو تومندی ایستاده که گویی
گذر زمان را به چالش کشیده است. این
درخت با تنه‌ای به قطر ۱۱۵ متر و
بلندی ۲۵ متر تا ۲۸ متر، حسی
میدراندازی، نه فقط یک درخت، بلکه
آینه‌ای تمام قد از تاریخ ایران است.
دانشمندان ژاپنی عمر آن را بین ۸۰۶
تا ۹۰۰ هزار سال تخمین زده‌اند که آن را درجه
پایه کهنسال درختان زنده جهان
قرار می‌دهد. در فرهنگ ایرانی، سرو
نماد آزادی و ایستادگی است، درختی
همیشه‌سبز که حتی در معماری ایرانی
همان «تنه حق» یا سرو خدیو است و
در هنر ایرانی جلوه گر شده است. مسعودی
در «توضیح القلوب» از این سرو
به عنوان درختی به همتا در ایران یاد کرده
است.

حصارها و تهدیدهای مدرن

نگهبانی تمام وقت برای آن تعیین شد. این تلاش ها گاه به جای نجات به سر و سیب زده اند. اسفالت ریزی و حصار کشی طرف درخت که به بهانه حفاظت انجام شد، بیشه هایش را در تنگنا و تحت فشار قرار داده است. ساخت اتاق نگهبانی جدیدی در حرم این سرو، که پیش تر نیز نگهبانی داشته، نگرانی دوستداران محیط زیست را برانگیخته است. این ساخت و ساز که در همه ثبت شده، سرو انجام شده می تواند

با گذار از نوبسی های غیر مسئولانه برخی
امردمان و حتی استفاده از جرقهیل برای
سبک کردن شاخه ها، به این درخت
گشمال آسیب می رساند. دوستان
میراث فرهنگی هشدار می دهند که این
قدمات، همراه با تخریب باغی اطراف و
حادث خیابان آسفالت نزدیک سرو آینده
نین نمادی را تهدید می کند.

آینده‌ای در هاله‌ای از نگرانی
 سرو ابو کوه، که چند هزاره شاهد پادشاهی‌ها
 و تحولات تاریخ بوده، امروز بیش از همیشه
 به مراقبت نیاز دارد. طرح جامع حفاظت از
 این درخت کهن، زیر نظر اداره ملی میراث فرهنگی
 و با همکاری شهرداری هراز و میراث فرهنگی
 نودین شده می‌توانست نودی بخش باشد اما
 عملیات عمرانی سنگین، مانند حصار کشی
 و ساخت وسازهای بی‌مورد گاه
 به جای حفاظت، به سرو آسیب می‌رساند.
 دوستانارن محیط: پرسو با راه‌ها با پیاده
 پیگیری، از بی‌مهری‌ها به این درخت
 گفتند. آنها از تخریب باغ‌های سرسبز
 طرف، ساخت شهرهای و الاقیق در
 طرف این درخت باستانی و سپس تخریب
 دیوارهای این سازه‌ها سخن می‌گویند و این
 می‌کنند. کرد تصمیم‌گیری‌های

حفظ میراث‌های طبیعی است. سربابر کوه، که کهنسال‌ترین جانداران آسیا شناخته می‌شود، هنوز ایستاده است، اما حیثیت در گرو خردی است که منابع آب را حفظ کند، ساخت‌وسازهای غیر ضروری را متوقف کند و این میراث زنده را نه فقط به عنوان یک درخت، بلکه به عنوان بخشی از هویت ایران پالس بدارد.

پنجاهم مرداد ۱۲۸۵، روزی بود که قلب با امیدی بزرگ تپید. فرمان مشروطه، ضای لرزان مظفردالدین‌شاه، نوید ملی‌تازه داد. دنیای با قانون، مجلس و انتخاباتی را فراخ بود ظلم را بریشه کرد و بد و آزادی را به ارمان آورد. مشروطه چون نسیمی در کوچه‌های خاک‌آلود و زرد و آرزوهای ملتی را بیدار کرد، سی‌ادوار دیوان انگلیسی درمحد و مشروطه‌چی‌های ایرانی کتاب نوشت و نیاندی‌ها را قراوت بزم از نوایشان درس داد.

مش مشروطه از دل بحرانی بزرگ زاده ایران قاجاری زیر یوغ استبداد، فقر و خواری در تقلا یقا بود. روشنفکران، ننان، روحانیون و حتی مردم عادی، هر که به دلیلی خواستار تغییر یی بودند که این سیمین را از بن بست برهاند. فائده کاین س و عدالت خانه، واژه هایی بودند که مانند ای در تاریکی، امید می آفریدند. اما چرا مهال بر امید که به با خون و اشک بسیاری ی شد از خاک این ریشه نداد؟ چرا نه های بزرگ که از استبداد صغیر ختم یخوف روسی آرمان های مشروطه چنان میدان بهارستان به توپ بست و چرا، با بعد، خیزش هایی با آرزوهای مشابه، ن در همان چرخه ناگامی گرفتار شدند؟ رخ را باید در ریشه های عمیق جامعه و ناسازگاری اش با نهادهای وارداتی جستجو کرد.

نه ایرانی آن زمان، مانند خانواده‌ای بزرگ که با پیوندهای عمیق خوشبوآوندی، گاه با وفاداری‌های گروهری به هم گره خورده‌اند. این پیوندها که ریشه در تاریخ و گنگ ما داشته‌اند دارند مانند تار و پود یک جامه را همچون امروز استوار نگه داشتند. اما همین پیوندها، که می‌توان آن سببیت یا همان پیوندهای خونی نامید، با همان هدرن غریب، مانند قاتون و پارلمان، سازگار بود. در غرب، نهادهای مدرن از دل لایق فرهنگی برخاستند که پیوندهای شش‌آوندی را که رنگ کرد و فردگرایی و ادعومری را جایگزین آن ساخته بود. و ر و تحول جوامع غربی که قرن‌ها پیش

[illegible]

آن آماده نبود، روشنفکران مشروطه،
به دستسازدوار غرب، از قانون و
ای شیخی می گفتند، اما به فروش
کردن کرد این مفاهیم در راه، ریشه
چهره‌های تاریخی و فرهنگی خاص
تند. آنها ماشین، تلگراف و قانون را از
گرفتند، اما کمتر پرسیدند که چگونه
توان این ابزارها را با فرهنگ و نیازهای
همیشه کرد، این تقلید سطحی، مانند
تخت‌خانه‌ای بدون پی بود. مجلس و قانون
شد، که نور پوست‌نری مشروطه
تاریخ را از شکنندگی فرهنگی و اجتماعی به
تاریخ زیبا اما شکننده تبدیل شدند.

ناهماهنگی آرمان و واقعیت
 بن ناسازگاری، تنه‌به
 اختارهای اجتماعی
 بود نشد. روحانیون، که

تند، مشروطه را گاه راهی
حفظ سنت‌های می‌دیدند،
ای‌امی به سوی تجدید. توده‌های
نیز، که از ظلم و فقر به
آمده بودند، عدالت را نه
نوانین پیچیده، بلکه در
نیازهای روزمره خود
توجیه می‌کردند.
ن‌ها ماسک، مانند
ار کستری بود که هر
نده‌اش نغمه‌ای متفاوت
نواخت. نقش نیروهای
جی نیز در این ناکامی
اثیر نبود. روس و انگلیس، که
خود را در خط می‌دیدند،

حمایت از مخالفان و حتی به توپ بستن، پس، نهال نوپای مشروطه را خیم کردند. فشارها، مانند توفانی هولناک ریشه‌های نرفته مشروطه را سست‌تر کردند. این استان، تنها به مشروطه محدود نشد.



A close-up photograph of a woman wearing a light blue suit jacket and matching skirt. She has a pink floral boutonniere pinned to her left lapel. Her hands are clasped in her lap, holding a small green leafy branch. She is also wearing a patterned scarf and a white shirt with a dark tie.

ال‌های بعد نیز، در خیزش‌هایی که از معای باز، قانون‌مدار و عادلانه‌تر شدن، گویی همان خیزش تکرار شد. این‌ها باز دیگر نهادهای ارادتی را زودمند، بدون تحول در ساختارهای اجتماعی این هوانا هستند ریشه‌ها بودند و همچون آنها مصنوعی خوش رنگ و لعاب اما بی‌صمیمیت جای ماندند. شرط‌و‌طرحه‌های غریبی فقط با آوردن نهادهای غریبی و فقط با ترک‌کردن که با آوردن نهادهای میان‌آرمان «کلمه» می‌توانند ایران را یک‌شبه سوی رفعت ببرند. اما بدون هماهنگی میان آرمان، رفعت، این تلاش‌ها به پوسته‌ای شکننده شدند.

بذرهای برای آینده

مشروطه و آرمان‌هایش کاملاً شکست خوردند؟ مشروطه بذرهای کاشت که هنوز خاک ایران نداشتند. این جنبش به ایرانیان تحت‌الحمایه می‌تواند مجلس، قانون اساسی و نهادهای داشته باشد که صدای مردم را به حاکمان برسانند. این بذرهای هر چند در خود به بار ننشستند، راه را برای تحولاتی هموار کردند. جنبش‌هایی که با بعد از آرزوهای مشابه برخاستند، از تجربه آموختند که تغییر، فقط با شعار و نه بدست نمی‌آید. درس بزرگ مشروطه است که پیشرفت بدون آشتی دادن سنت و تمدن ممکن نیست. می‌توان در راه تجدید سنت‌ها که فراموش‌شده‌ای درخت سال‌ها را استوار نگه‌داشته‌اند گسیخت، بی‌نیازمندی خردی است که مسائل واقعی جامعه را بشناسد و احوال‌هایی متناسب با فرهنگ و تاریخ ایران ارائه دهد. نمی‌توان نهادهای غربی را که به سبستی در فراگرد جامعه می‌خواهند بی‌فکری نقد کرد، بلکه جامعه‌ای با پیوندهای عمیق خانوادگی و گروهی آورد و انتظار داشت همان نتایج را بدهد. تجدید ایرانی و پایدار به سراخاستن نهادهایی ممکن است که نه تقلیدی کروکودان غرب، بلکه برخاسته از نیاز و فرهنگ ایرانی باشند. این نهادهای مانند پلی میان گذشته و آینده، سنت‌هایمان را پاس می‌دارد و هم‌زمان راه را برای آزادی، عدالت و پیشرفت باز می‌کند.





یک دهه بحران در بازار و صنعت کاغذ ایران

کاغذی که از اسکناس گران تر شد

بازار طی سال‌های اخیر تحت سیطره گروه‌هایی قرار گرفته که در تامین، سیاست‌گذاری و توزیع، نفوذ زیادی دارند



مونا موسوی
هفت صبح

مغازه‌های کنایفر و ششی راسته خیابان انقلاب، به جز کنایفر و ششی‌هایی که به نشر و فروش کتب کمک‌درسی و کنکور و دانشگاهی مشغول هستند، رکودی شدیدتر از هر دوره‌ای را تجربه می‌کنند. فروش اندک کتاب که حاصل دو اتفاق همزمان است؛ کاهش قدرت خرید مردم و رشد شدید قیمت کتاب.

برای مثال، کتاب «ذهن روسی در نظام شوروی» نوشته آیزایا برلین، سال ۱۳۹۱ به قیمت ۲۴ هزار تومان به فروش می‌رسید که امسال، ۳۹۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده (۱۶،۵ برابر قیمت اولیه). کتاب «فرنی و زویی» اثر سلینجر، سال ۱۳۹۷ فقط ۶ هزار تومان قیمت داشت که امروز برای خرید آن باید ۱۵۰ هزار متقبل شوید؛ یعنی بیش از ۹ برابر. نمونه آخر هم کتاب «تو نخواهی کشت» است که مجموعه‌ای از مقالاتی است که درباره رمان جنایت و مکافات نوشته شده. این کتاب که سال ۱۳۹۳ با قیمت ۲۴ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان بود، امروز ۲۲۵ هزار تومان قیمت خورده است. همین وضعیت، به طور دقیق برای رسانه‌های مکتوب تکرار شده و برای همین است که این روزها، پیشخوان دکه‌های روزنامه‌فروشی که زمانی مملو از روزنامه‌های آن روز بود، جای خود را به مجلات خانواده، جدول و سرگرمی داده که همان‌ها هم البته فروش نمی‌روند و بعد از گذشت چند وقت، در مجموعه‌های باطله با قیمت‌های بسیار کمتر به فروش می‌رسند.



کاهش تدریجی تولید داخلی کاغذ

در حوزه تولید داخلی و واردات، آمار نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۴ تولید داخلی کاغذ حدود ۵۶ هزار تن، واردات بالغ بر ۲۲۰ هزار تن و مصرف تخمینی حدود ۲۸۰ هزار تن بوده است. این ارقام در سال ۱۳۹۸ به ترتیب به ۲۶ هزار تن تولید داخلی، ۹۰ هزار تن واردات و ۱۲۰ هزار تن مصرف تغییر پیدا کرد. در سال ۱۴۰۲ نیز تولید داخلی به حدود ۴۰ هزار تن رسید و واردات به ۲۶۰ هزار تن افزایش یافت که مصرف تخمینی را به حدود ۳۰۰ هزار تن می‌رساند. روند کاهش تولید و افزایش واردات نشان‌دهنده فشار بر تولید ملی و وابستگی روزافزون به منابع خارجی است.

از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳، قیمت هر بند کاغذ تحریر با

رشدی چشمگیر از حدود ۷۹ هزار تومان به حدود

یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسید. این افزایش

حدوداً ۱۵ برابری، نتیجه ترکیبی از تورم، نوسانات

ارزی، وابستگی به واردات و نفوذ مافیای بازار بوده

است. به‌طور خاص، در سال ۱۳۹۷ قیمت‌ها با رشد

۳۲۰ درصدی به حدود ۲۵۰ هزار تومان رسید و در سال

۱۴۰۰ نیز جهش ۲۶۰ درصدی باعث افزایش قیمت این

کالا به ۹۰۰ هزار تومان شد

۱

کاغذبازی در حاشیه بازار

بازار کاغذ در ایران در دهه گذشته مسیری عجیب و البته همگام با بازارهای پر حاشیه کالاهایی چون خودرو و لوازم خانگی را طی کرده که تأثیر آن را به‌وضوح در وضعیت مصرف‌کنندگان عمده، به‌ویژه رسانه‌ها می‌بینیم.

سال ۱۳۹۴ و در پی تأکید رهبری برای حمایت از تولید داخلی کاغذ، موجی از راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی شکل گرفت. این موج باعث شد که بسیاری از فروشندگان سنتی کاغذ در خیابان‌های بهارستان و ظهیرالسلام نیز با تهیه دستگاه‌های برش صنعتی و تجهیزات بسته‌بندی، وارد مسیر تولید شوند. آن‌ها رول‌های کاغذ را از چین و هند وارد کرده و با برش‌هایی در اندازه‌های ۴ و ۸۳ تحت عنوان برندهای معروف خارجی در بازار عرضه می‌کردند. هر چند ظاهر این مسیر تولیدی عادی به نظر می‌رسید اما در واقع محصول نهایی با نام برندهای خارجی ارائه می‌شد.

صنعت کاغذ در ایران همواره با نوساناتی عمیق و روندی غیرمتعارف مواجه بوده؛ از ظهور کارگاه‌های تولیدی با انگیزه حمایت ملی گرفته تا تسلط مافیای واردات، ساختار بازار کاغذ را متاثر کرده که پیامدهای آن به‌ویژه بر حوزه رسانه و نشر ملموس است

۲

تولید کاغذ در کارگاه‌های زیرپله‌ای

با گذر زمان، مشکلات آشکار شدند؛ بسیاری از کارگاه‌های کوچک زیرپله‌ای تخلفاتی انجام دادند از جمله عدم تطابق تعداد برگ‌ها در هر بسته با اطلاعات درج‌شده و استفاده از کاغذهای بی‌کیفیت چینی که مناسب چاپ نبوده و باعث پخش شدن جوهر در چاپخانه‌ها می‌شد. این نارسایی‌ها موجب بی‌ثباتی در بازار شدند، در حالی که برخی از مدیران همین واحدهای تولیدی به دفاتر بزرگ‌تری در بهارستان نقل مکان کرده بودند. این افراد به واسطه همان زیرساخت ابتدایی، تبدیل به بزرگ‌ترین واردکنندگان رول کاغذ شدند. گرچه بعدها کیفیت برش‌ها و بسته‌بندی را بهبود بخشیدند اما در عمل تولیدکنندگان واقعی داخلی را از میدان رقابت خارج کردند و بسیاری از آنها مجبور شدند فعالیت خود را از تولید کاغذ چایی به سمت بسته‌بندی تغییر دهند.

در سال ۱۳۹۴ تولید داخلی حدود ۵۶ هزار تن و واردات بالغ بر

۲۲۰ هزار تن بود که مصرف تخمینی را به ۲۸۰ هزار تن می‌رساند.

این رقم در سال ۱۳۹۸ به تولید ۲۶ هزار تن و واردات ۹۰ هزار تن

کاهش یافت اما در سال ۱۴۰۲ مجدداً واردات جهش یافت و به حدود

۲۶۰ هزار تن رسید، در حالی که تولید داخلی با رشدی اندک تنها

به ۴۰ هزار تن رسید. این ارقام نشان‌دهنده وابستگی فزاینده به

واردات و افت جایگاه تولیدکنندگان داخلی در زنجیره تامین است

۵

افزایش شدید قیمت کاغذ در کشور

در مورد قیمت‌ها، در سال ۱۳۹۴ هر بند کاغذ تحریر حدود ۷۹ هزار تومان بود. این رقم در سال ۱۳۹۷ به حدود ۲۵۰ هزار تومان رسید که افزایشی بیش از ۳۲۰ درصد را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۰ قیمت به ۹۰۰ هزار تومان افزایش یافت که رشد ۲۶۰ درصدی داشت و در سال ۱۴۰۳ قیمت‌ها به حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسید که نسبت به سال قبل حدود ۴۵ درصد افزایش داشته است. این تغییرات شدید قیمتی نتیجه مستقیم نوسانات ارزی، افزایش هزینه واردات، کمبود مواد اولیه و ضعف در ساختار حمایتی است. با نگاهی تحلیلی می‌توان دلایل بحران بازار کاغذ ایران را این‌گونه طبقه‌بندی کرد؛ وابستگی شدید به واردات مواد اولیه به‌ویژه پالپ، نوسانات شدید نرخ ارز که منجر به بی‌ثباتی در بازار می‌شود، وجود رانت و مافیای واردات که مانع رقابت سالم شده‌اند، کمبود منابع بازیافتی (آخال) و فقدان ساختارهای پایدار حمایتی دولتی که تولیدکننده داخلی را بی‌پناه گذاشته‌اند.



۳

صنعت کاملاً وابسته به واردات

از سوی دیگر، خمیر کاغذ با پالپ که ماده اولیه اصلی این صنعت است، کاملاً وارداتی بوده و از کشورهایی نظیر اندونزی، مالزی، چین، هند، برزیل، پر تغال و کره جنوبی تامین می‌شود. در این میان، کیفیت تولیدات کشورهای برزیل، اندونزی، مالزی و پر تغال نسبت به سایر تولیدکنندگان جهانی بالاتر است. کمبود پالپ و افزایش نرخ ارز، تولیدکنندگان داخلی را عملاً از رقابت بیرون انداخت و شرکت‌هایی مانند چوب و کاغذ مازندران از چرخه تولید خارج شده و شرکت کاغذ پارس با وجود فعال بودن در بازار بورس، در آستانه ورشکستگی قرار گرفت به طوری که تا سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۹۰ درصد ضرر به سهامداران خود وارد کرده است.

همین موضوع باعث شد بازار کاغذ اکنون عملاً در فهرست واردکنندگان قرار گیرد، گروه‌هایی که تخصص، نفوذ و کنترل گسترده‌ای بر این حوزه دارند. برای تحلیل دقیق تر این وضعیت، باید به چند شاخص کلیدی توجه کرد.

۶

جولان دلالتان در بازار کاغذ کشور

دلالتان و مافیای کاغذ نقش برجسته‌ای در تشدید این بحران دارند. بازار طی سال‌های اخیر تحت سیطره گروه‌هایی قرار گرفته که در تامین، سیاست‌گذاری و توزیع، نفوذ و کنترل قابل توجهی دارند. ویژگی اصلی این گروه‌ها، انحصار در واردات است که فقط در اختیار تعداد محدودی از شرکت‌ها قرار دارد و موجب از بین رفتن رقابت سالم شده. این گروه‌ها با استفاده از ارتباطات سیاسی و اطلاعات رانتی، موفق به دریافت سهمیه‌های کلان و حتی ارز ترجیحی شده‌اند.

سازوکار توزیع نیز غیرشفاف و تبعیض‌آمیز بوده و در برخی دوره‌ها، کاغذ پارانهای به‌ناشرانی اختصاص یافته که فعالیت واقعی نداشتند، در حالی که ناشران فعال از دریافت سهمیه محروم شدند. فضای واردات‌محور ایجادشده توسط این مافیا، تولیدکنندگان داخلی مانند کارخانه‌های مازندران، پارس و زاگرس را به حاشیه رانده یا به تعطیلی کشانده است. همچنین شرایط خاص مانند تحریم، کمبود برق و ناترازی انرژی باعث شده تا انحصار در بازار استمرار یابد. پیامدهای فعالیت این مافیا کاملاً ملموس است. افزایش قیمت‌ها یکی از نتایج بارز آن است، چنان‌که قیمت هر بند کاغذ تحریر از حدود ۷۹ هزار تومان در سال ۱۳۹۴ به حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۳ رسیده است. واردات کاغذهای بی‌کیفیت چینی نیز موجب افت کیفیت محصولات چاپی شده و رسانه‌ها و دستگاه‌های نشر را با بحران کاهش تیراژ و بی‌کاری مواجه کرده است. در نهایت، بسیاری از کارخانه‌های تولیدی نیز به دلیل نبود سفارش و پشتیبانی با تعطیل شده‌اند یا تغییر کاربری داده‌اند.

یادداشت

بورس اوراق بهادار؛ دماسنج اقتصاد کشور

تب سرد به جان بازار سرمایه افتاده است



حامد شایگان
هفت صبح

در ماه‌های اخیر، با وجود حمایت‌های ظاهری سازمان بورس و وعده‌های مالی دولت، بازار سرمایه نتوانسته از مسیر نزولی خارج شود و شاهد خروج نقدینگی حقیقی‌ها از بازار بوده‌ایم. در این میان، عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند تا حمایت‌ها نتوانند مؤثر نباشند، بلکه به بی‌اعتمادی بیشتر منجر شوند. روز گذشته شاخص کل بورس با افت ۰،۶ درصدی (۱۵،۸۶۲ واحد) به ۲،۶۳۹،۳۱۴ رسید و شاخص هم‌وزن با کاهش ۰،۷ درصدی (۵،۷۹۴ واحد) به ۷۹۵،۲۵۳ کاهش یافت. همچنین شاخص فرابورس ۱۴۷ واحد افت کرد و در ۱۲۳،۸۷۴ ایستاد و ارزش معاملات خرد حدود ۷،۶ همت راثبت کرد. در بازار دیروز ۱۱۷ نماد مثبت در برابر ۵۲۶ نماد منفی صف‌آرایی کردند و سهامداران حقیقی آنها که فرصت فروش یافتند حدود ۹۱۰ میلیارد تومان از پول خود را از بازار سهام خارج کردند.

صندوق‌های طلا؛ عالی

رکورد ورود پول حقیقی به صندوق‌های طلای بورس در سال ۱۴۰۴ شکسته شد. طی چند روز گذشته بیش از ۱۸۰۰ میلیارد تومان سرمایه خرد وارد این صندوق‌ها شده است؛ نشانه‌ای که از تغییر جدی نگاه سرمایه‌گذاران حقیقی به طلا به‌عنوان یک پناهگاه تورمی و امن خبر می‌دهد.

حقوقی‌ها؛ بار خاطر

نخست، باید به تغییر رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی اشاره کرد که در مواجهه با بی‌ثباتی بازار سهام و افت باردهی، مسیرهای جایگزینی نظیر بازار طلا و دلار را انتخاب کرده‌اند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا رشد چشمگیری داشته‌اند و برخی از آنها به بازدهی سالانه بیش از ۱۴۰ درصد رسیده‌اند. دلار نیز با عبور از مرزهای روانی و چشم‌انداز تورمی، به گزینه‌ای برای حفظ ارزش دارایی تبدیل شده است. افزون بر این، بخشی از نقدینگی به سمت صندوق‌های درآمد ثابت و حتی سپرده‌های بانکی هدایت شده، چراکه در شرایط فعلی، نرخ بهره‌های بانکی و بازدهی تضمینی ابزارهایی همچون اوراق که نرخ‌های بالای ۳۵ درصد دارند، امنیت روانی و اطمینان بیشتری برای سرمایه‌گذاران به همراه دارند. در سوی دیگر، حقوقی‌های اماد‌های بزرگ که انتظار می‌رفت نقش تثبیتی در بازار ایفا کنند، عملکرد قابل دفاعی نداشته‌اند. نه‌تنها در شرایط افت شاخص نتوانسته‌اند خریدهای مؤثر انجام دهند، بلکه در برخی مواقع خود به‌عرضه‌کننده تبدیل شده‌اند و رفتار نوسانی آنها باعث بی‌اعتمادی بیشتر شده است. تمرکز صندوق‌تثبیت بر نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز نیز سبب شده نقدشودگی در سایر نمادها به شدت کاهش یابد و همین مسئله ضعف‌های فروش سنسگینی در بسیاری از نمادها، به‌خصوص صندوق‌های اهرمی، ایجاد کرده است.

اهرمی‌ها؛ بحرانی

وضعیت صندوق‌های اهرمی، به‌طور ویژه بحرانی است. این صندوق‌ها با صف‌های فروش سنگین و حباب منفی مواجه‌اند، طوری که در برخی موارد این حباب به محدوده دو رقمی رسیده است. محدودیت‌های معاملاتی از جمله کاهش ضرب اعتبار و دامنه نوسان پایین، جذابیت این صندوق‌ها را از بین برده و سرمایه‌گذاران را در شرایط نامطلوبی برای نقدشودگی قرار داده است. این وضعیت خود به سیگنالی برای خروج گسترده پول از بازار تبدیل شده و اعتماد عمومی را بیش از پیش تضعیف کرده است. از منظر سیاست‌گذاری، دولت وعده تزریق ۶۰۰ هزار میلیارد تومان به بازار سرمایه داده بود اما تنها حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان آن از طریق صندوق تثبیت وارد بازار شده است. این تزریق ناقص نه‌تنها نتوانسته مسیر نزولی شاخص را متوقف کند، بلکه نشانه‌ای از شکاف میان قول‌ها و عمل‌هاست و خود موجب تشدید نگرانی‌ها شده است.

وعده‌ها؛ پوچ

به طور کلی بازار سرمایه در شرایطی قرار دارد که بی‌اعتمادی، خروج نقدینگی، عملکرد ضعیف بازیگران حقوقی، بحران در ابزارهای مالی مانند صندوق‌های اهرمی و تحقق ناقص وعده‌های حمایتی دولت، همگی از عوامل ادامه‌دار بودن روند نزولی هستند. برای خروج از این وضعیت، نیاز به اصلاح ساختار حمایتی، تغییر رفتار حقوقی‌ها، افزایش شفافیت سیاست‌گذاری و طراحی ابزارهای جذاب برای بازگشت سرمایه‌گذاران حقیقی به بورس وجود دارد. این مسیر جز با هماهنگی میان نهادهای مالی، سیاست‌گذار و بازیگران بازار ممکن نخواهد بود.

سیاست‌گذار؛ مردد

تا زمانی که سیاست‌گذار به بازتعریف نقش بازار سرمایه در ساختار اقتصادی کشور اقدام نکند و اصلاحاتی عمیق، نه صرفاً سطحی، در سازوکارهای تصمیم‌گیری و تنظیم‌گری صورت نگیرد، بازار سرمایه در حاشیه باقی خواهد ماند؛ جایی که وعده‌ها اگر هم مطرح شوند، دیگر اثری ندارند.

بورس؛ در حاشیه

شاید بورس امروز در حاشیه باشد اما این حاشیه می‌تواند آستانه‌ای برای بازاندیشی و بازسازی باشد؛ جایی برای بازتعریف نقش بازار سرمایه در اقتصاد ایران. وضعیت کنونی نشان داده که حمایت‌های صرفاً مالی، بدون تغییر در حکمرانی بازار و اعتمادسازی پایدار، اثرگذار نخواهند بود. در نتیجه می‌توان ادعا کرد ادامه وضعیت فعلی نه صرفاً نشانه‌ای از شکست سیاست‌های حمایتی، بلکه فرصتی برای بازاندیشی در منطق بازار و احیای نقش واقعی آن در تخصیص منابع، رشد تولید و اعتماد عمومی است.

آگهی فقدان سند مالکیت (شماره نامه: ۱۴۰۴۵۶۱۰۱۰۱۸۲۲۴)

آقای حجت اله امیری با تقدیر دو برگ استشهادیه معقد شده مدعی است که سند مالکیت ۳/۵ تکت متاع ارشدلنگ پلاک ۷۰۴۴ فرعی از ۳۵۸ - اصلی با مشخصات ذیل: مشخصات ملک یک قطعه خانه به پلاک ثبتی ۷۰۴۴ فرعی از ۳۵۸ اصلی مشخصات مالکیت حجت اله امیری بعنوان ملک سه معین پنج دهم تکت متاع ارشدلنگ عرصه و اعیان با شماره سند مالکیت ۱۷۵۰۱ تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۲ دفترخانه اسنادرسمی شماره ۱۸۲ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه، موضوع سندمالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۳۹۱۹۳۵ سری الف سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۰۱۰۱۸۲۴۱ ۱۳۹۹۲۰۳۱۶۰ ثبت گردیده است. بر اثر سهل انگاری مفقود گردیده لذا مراتب طبق ماده ۱۲۰ - این نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه فرد یا افرادی مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت در نزد آنان میباشند از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۱۰ روزمراتب ربه این اداره اعلام دارند در غیر اینصورت نسبت به صدور سندمالکیت طبق مقررات اقدام وسند مالکیت اولیه ازدرجه اعتبار ساقط و ابطال خواهد شد. ۱۳۹۹

سجاد مومندی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

نظر به اینکه برابر رأی شماره ۱۵۹۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه یک اهواز تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی در قسمتی از پلاک ۵ بخش ۹ اهواز که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی(سند شماره ۱۴۲۲۰۳ مورخ ۷۱/۱۰/۲۲ دفترخانه ۹ آبادان نیی اله خسراچی) به متقاضی بایسن خسراچی شماره شناسنامه ۱۱۴ کد ملی ۱۷۵۷۷۹۶۱۲۶ فرزند نیی اله صادره اهواز نسبت به شناساندن یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۲/۵۰ متر مربع در قسمتی از پلاک فوق خریداری شده طبق شرح صدر آگهی و انتقال ملک از مالک رسمی بنام وی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز در روزنامه های محلی و کثیرالانتشار سراسری آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متقتر به دادگاه نخواهد بود.

شناسه:۱۹۶۵۰۳۷

(تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۴/۲۸)

(تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳)

و یس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک اهواز - بهزاد مردانی



تشکیل شورای دفاع و تحول در ساختار امنیتی ایران

علی لاریجانی به مدار امنیتی باز می‌گردد

تشکیل شورای دفاع، اگر با نگاهی کل نگر، غیر جناحی و آینده‌نگر همراه باشد، می‌تواند بستر تحول در ساختار امنیتی کشور را فراهم کند

حسین فاطمی
هفت صبح

❖ جنگ ۱۲ روزه، نقطه عطف بازنگری امنیتی جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل نه صرفاً یک رخداد نظامی بلکه یک نقطه عطف ژئوپلیتیک برای تهران بود. در این جنگ، هم توان پدافندی ایران مورد آزمون قرار گرفت و هم میزان نفوذ اطلاعاتی دشمن در لایه‌های حساس امنیتی کشور. از شهادت بیش از ۲۰ فرمانده و دانشمند دفاعی تا روشن شدن خلأهایی در سامانه‌های هماهنگی اطلاعاتی و عملیات مشترک، پیامدهای این تقابل کوتاه ولی بسیار عمیق تر از ظاهر آن بود.

به همین دلیل، فعال سازی ظرفیت‌های مغفول قانون اساسی از جمله اصل ۱۷۶ برای تشکیل «شورای دفاع» و تغییر در شعام (شورای عالی امنیت ملی) به ضرورتی ساختاری برای پرھیز از تکرار بحران‌های مشابه تبدیل شد. شورای دفاع قرار نیست صرفاً یک نهاد مشورتی باشد، بلکه قرار است «بازوی اجرایی راهبردی در اتخاذ تصمیمات حیاتی دفاعی» باشد؛ جایی که سرعت عمل، انسجام، هماهنگی میدانی و تحلیل‌های پیش‌دستانه در صدر کارویژه‌های آن خواهد بود. از طرف دیگر، فضای امنیتی جدید ایجاب می‌کند که تصمیم‌سازی دفاعی از چارچوب بروکراتیک شورای عالی امنیت ملی که بر هماهنگی میان حوزه‌های مختلف

(سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) متمرکز است، به ساختاری با تمرکز ویژه بر «پاسخ‌دهی سریع و تخصصی به تهدیدات نظامی و امنیتی» منتقل شود.



ورود احتمالی
چهره‌ای چون
علی لاریجانی
به جایگاه دبیری
شورای عالی امنیت
ملی، نه تنها از نظر
ساختاری بلکه از
لحاظ سیاسی و
دیپلماتیک، حاوی
پیام‌های مهمی
است. لاریجانی را
باید یکی از معدود
چهره‌های «معتدل
با قدرت مانور بالا»
در ساختار حکومتی
ایران دانست

❖ علی لاریجانی؛ بازگشت یک میانه‌رو برای مدیریت تعادل در آشفتنی

در چنین بزنگاه تاریخی، ورود چهره‌ای چون «علی لاریجانی» به جایگاه دبیری شورای عالی امنیت ملی، نه تنها از نظر ساختاری بلکه از لحاظ سیاسی و دیپلماتیک، حاوی پیام‌های مهمی است. لاریجانی را باید یکی از معدود چهره‌های «معتدل با قدرت مانور بالا» در ساختار حکومتی ایران دانست. او سابقه‌ای گسترده در مدیریت نهادهای حاکمیتی (از ریاست صداوسیما تا مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی) دارد و در عین حال با جریان‌های مختلف نظامی، دیپلماتیک و فکری در ارتباط است. در شرایطی که کشور نیاز به نوعی بازسازی اقتدار دفاعی و در عین حال تعامل با جهان دارد، لاریجانی یکی از معدود چهره‌هایی است که می‌تواند هر دو مأموریت را همزمان پیش ببرد. از سویی، به لحاظ فکری به جریان مقاومت نزدیک است و از سویی دیگر، در مجامع بین‌المللی قابل گفت‌وگو، دیپلماتیک و منطقت شناخته می‌شود. ویژگی مهم‌تر او، «استقلال نسبی» در نگاه راهبردی و «تسلط بر پیچیدگی‌های نهادی» کشور است؛ خصوصیتی که در شرایط فعلی، کاملاً کمیاب است. انتصاب او به‌عنوان دبیر شعام، اگر چه هنوز نهایی نشده اما نشانه‌ای است از تغییر در «فلسفه مدیریت امنیتی» کشور و عبور از رویکرد صرفاً امنیت‌محور به رویکردی متعادل‌تر، با تأکید بر کارآمدی، عقلانیت و انسجام نهادی.

❖ شورای عالی دفاع تا شورای دفاع

برای درک بهتر فلسفه تأسیس شورای دفاع جدید، باید نگاهی به شوروی عالی دفاع در دوران جنگ تحمیلی انداخت؛ شورایی که در مهرماه ۱۳۵۹، پس از فرمان صریح امام خمینی (ره) با حضور چهره‌هایی مانند آیت‌الله خامنه‌ای، مصطفی چمران، بنی‌صدر، محمدعلی رجایی و دیگر فرماندهان نظامی تشکیل شد و نقش مهمی در انسجام دفاعی کشور ایفا کرد. در آن زمان، ایران با بحران ساختاری در فرماندهی و هماهنگی نظامی مواجه بود؛ ستادهای ارتش و سپاه از هم تفکیک‌شده، نهادهای غیره‌راستا و فقدان هماهنگی اطلاعاتی باعث شده بود که جبهه‌ها در برابر پیشروی عراق شکننده باشند. شورای عالی دفاع با ایفای نقش فرماندهی راهبردی و سیاسی، توانست بخشی از این کاستی‌ها را جبران کرده و زمینه‌ساز عملیات‌های موفق چون شکستن حصر آبادان شود. امروز اگر چه تهدیدات دیگر از جنس «جنگ تمام‌عیار زمینی» نیست اما پیچیدگی تهدیدات ترکیبی (تروریستی، اطلاعاتی، سایبری، پهپادی، رسانه‌ای و غیره متقارن) ایجاب می‌کند تا ساختاری مشابه با آن شورای تاریخی، این بار با فناوری‌های

در شرایط کنونی که ایران با تهدیدات روزافزون منطقه‌ای و جهانی مواجه است، موفقیت در حوزه امنیت ملی، نیازمند انسجام نهادی، بازتعریف راهبردهای دفاعی و مدیریت هماهنگ و حرفه‌ای در سطوح عالی است

امروز و تهدیدهای نو، فعال شود. در واقع، شورای دفاع جدید باید همان نقشی را ایفا کند که شورای عالی دفاع در دهه ۶۰ بازی کرد؛ یعنی فرماندهی استراتژیک، هماهنگی میدانی، پاسخ سریع و جلوگیری از تشتت تصمیم‌گیری.

❖ پرهیز از موازی کاری؛ چالش ذاتی شوراهای جدید یکی از نگرانی‌هایی که درباره شورای دفاع جدید مطرح شده، خطر موازی کاری با شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای دفاعی مانند ستاد کل نیروهای مسلح یا قرارگاه خاتم‌الانبیا است. تجربه ناکامی‌ها در نهادهایی مانند شورای هماهنگی سران قوا، به‌ویژه در تصمیم‌گران شدن بنزین در آبان ۹۸، نشان داده که فقدان هماهنگی و شفافیت نهادی، می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و امنیتی منجر شود. برای پرهیز از این وضعیت، باید شورای دفاع ذیل شعام و در هماهنگی با مقام معظم رهبری و سایر نهادهای کلیدی دفاعی عمل کند. تقسیم کار روشن، حدود اختیارات مشخص و شفاف‌سازی در نقش‌ها، می‌تواند ضمن تقویت انسجام، از موازی کاری‌ها جلوگیری کند.

❖ آینده دفاعی ایران در گرو انسجام نه‌تکثر نهادی در شرایط کنونی که ایران با تهدیدات روزافزون منطقه‌ای و جهانی مواجه است، موفقیت در حوزه امنیت ملی، نیازمند انسجام نهادی، بازتعریف

❖ پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و تجربه تلخ و پرهزینه آن، سیاست امنیتی و دفاعی کشور وارد مرحله تازه‌ای شده؛ مرحله‌ای که دیگر تشکیل شورای دفاع و تغییر چیدمان در شورای عالی امنیت ملی (شعام)، یک انتخاب داوطلبانه نیست بلکه ضرورتی تمحیلی، اجتناب‌ناپذیر و پاسخی استراتژیک به تحولات میدانی، تهدیدهای پیچیده و ارزش‌های خارجی از نقاط ضعف امنیتی کشور است. «بازتعریف دکترین نظامی»، «افزایش تاب‌آوری امنیتی» و «احیای انسجام در فرماندهی و تصمیم‌گیری دفاعی» اکنون به اولویت اول ساختار حاکمیتی ایران بدل شده است.



پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و تجربه تلخ و پرهزینه آن، سیاست امنیتی و دفاعی کشور وارد مرحله تازه‌ای شده؛ مرحله‌ای که دیگر تشکیل شورای دفاع و تغییر چیدمان در شورای عالی امنیت ملی (شعام)، یک انتخاب داوطلبانه نیست، بلکه ضرورت است

راهبردهای دفاعی و مدیریت هماهنگ و حرفه‌ای در سطوح عالی است. تشکیل شورای دفاع، اگر با نگاهی کل نگر، غیرجناحی و آینده‌نگر همراه باشد، می‌تواند بستر تحول در ساختار امنیتی کشور را فراهم کند. اما اگر این شورا به سرنوشته مشابه بسیاری از نهادهای ناموفق دچار شود، نهادهایی که به جای حل بحران، خود بحران‌ساز شدند، خطر پیچیده‌تر شدن ساختار حکمرانی و سردرگمی نهادی، کشور را تهدید خواهد کرد. در این میان، نقش چهره‌هایی همچون علی لاریجانی در تعادل بخشی، هماهنگی و عقلانیت در تصمیم‌سازی‌ها، بسیار حیاتی است.

❖ بازتعریف دکترین امنیتی با رویکرد جدید با نگاهی به همه تحولات اخیر، از جنگ ۱۲ روزه گرفته تا انتصاب‌های احتمالی در شعام، می‌توان گفت که ایران در آستانه بازتعریف دکترین امنیتی خود قرار دارد. این بازتعریف نه صرفاً یک تغییر ساختاری، بلکه تحولی در رویکرد است. به بیان دیگر، عبور از واکنش‌محوری به پیش‌نگری، از فردمحوری به ساختارمند شدن و از تهدیدپذیری به بازدارندگی هوشمند. در این بین شورای دفاع اگر بتواند این نقش را ایفا کند، نه تنها بحران اخیر را به فرصت بدل خواهد کرد، بلکه الگویی برای دیگر نهادهای امنیتی منطقه‌ای خواهد شد. در غیر این صورت، تکرار خطاهای گذشته و افزایش شکاف نهادی، تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی خواهد بود.



بین‌سوری یا طرح‌های منطقه‌ای در خلأ دیپلماتیک شکل می‌گیرد. با غیبت بازیگران بزرگ یا عدم اراده میانجی‌گری میان بازیگران داخلی، میدان سوریه به دست فرماندهان محلی، شبه‌نظامیان و رقابت‌های منطقه‌ای سپرده شده است.

❖ بازگشت به جنگ‌های فرسایشی؟

حوادث اخیر در منبج و دیرالزور و پیش‌تر در شهر دروزی نشین سویدان نشان می‌دهد که احتمال شعله‌ور شدن درگیری‌ها در هر نقطه از سوریه افزایش یافته است. قسند و دولت موقت هر دو دارای نیروهای مسلح سازمان‌یافته، خطوط لجستیکی مستقل

❖ سوریه جدید؛ صلحی دشوارتر از جنگ؟ همزمان با تحلیل رفتن ساختار قدرت سنتی در دمشق، سوریه وارد مرحله‌ای شده که در آن، صلح دشوارتر از جنگ به نظر می‌رسد. برخلاف تصورات اولیه که پایان کار بشار اسد و به قدرت رسیدن احمد الشرع به معنای شروع آرامش تلقی می‌شد، اکنون مشخص شده که فروپاشی یک نظم، الزاماً به ظهور نظم جدید نمی‌انجامد. خلأ قدرت، کثرت بازیگران، تکثر هویتی و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی، ساختار جدید سوریه را شکننده‌تر از همیشه کرده است. در چنین فضایی، نه احمد الشرع تضمینی برای صلح است، نه قسند توان تحکیم مواضع خود را بدون هزینه خواهد داشت. بر اساس درگیری‌های اخیر و واکنش‌های رسانه‌ای، به‌وضوح پیداست که سوریه در مرحله گذار به نوعی «بی‌نظمی پایدار» قرار دارد؛ وضعیتی که در آن نه جنگ پایان می‌یابد و نه صلح آغاز می‌شود. در چنین صحنه‌ای، هر گونه خوش‌بینی به ثبات سیاسی یا آتش‌بس دائمی، بدون تغییر بنیادین در ساختارهای داخلی و حمایت بین‌المللی، ناپایدار و موقتی خواهد بود. تداوم تنش و درگیری، نه تنها محتمل‌ترین سناریو، بلکه شاید تنها گزینه قابل پیش‌بینی در آینده نزدیک سوریه باشد.



سوریه و تداوم بی‌ثباتی؛ آرامش همچنان دور از دسترس

سوریه پس‌اسد صلحی دورتر از همیشه

دیرالزور، جرقه‌ای برای جنگی تازه در شرق سوریه

❖ گروه سیاسی | فصل تازه حیات سیاسی سوریه با به قدرت رسیدن احمد الشرع در قالب دولت موقت، حکایت از این دارد که این کشور همچنان در آتش اختلافات داخلی می‌سوزد. در قسمت تازه این تنش‌ها، وقایع میدانی در شرق سوریه، به‌ویژه در منبج و دیرالزور، نشان می‌دهد که این کشور وارد فصل تازه‌ای از درگیری و ناآرامی می‌زمین شده است. درگیری اخیر میان نیروهای دموکراتیک سوریه (قسند) و ارتش وابسته به دولت موقت، تنها یکی از نشانه‌های این مرحله گذار بحرانی است که قبل‌تر در شهر دروزی نشین سویدا روی داد.

❖ نقطه‌جوش در منبج آغاز فصل تقابل با قسند؟

درگیری‌ها در منبج، شهری استراتژیک در شرق سوریه، بار دیگر یادآور شکنندگی توافق‌های آتش‌بس و پرهزینه بودن رقابت بر سر مناطق نفوذ است. قسند اعلام کرده که در برابر حملات ارتش دولت موقت در منطقه دیر حافه، از حق دفاع مشروع استفاده کرده، در حالی که طرف مقابل این حملات را بی‌دلیل و تحریک‌آمیز خوانده است. مسلم است که منبج اکنون به یکی از نقاط بحرانی در معادله پیچیده قدرت در سوریه بین کردها و احمد الشرع به نمایندگی از ترکیه تبدیل شده است. همزمانی درگیری‌ها با ادعاهای رسانه‌ای متقابل، نشان می‌دهد که نه تنها آتش‌بس شکننده است، بلکه میل به رویارویی مستقیم میان گروه‌های مسلح افزایش یافته است.

❖ احمد الشرع و بازآرایی صحنه سیاسی توازن‌های سابق فرو می‌ریزد ظهور احمد الشرع در دوران پس‌اسد به‌عنوان



گزارش

اقدامات نمایشی برای بحرانی که با آسودگی یکه تازی می‌کند

استیضاح وزیر نیرو نقره‌داغ شدن پر مصرف‌ها

در گرمای سوزان تابستان وزارت نیرو شمشیر خود را برای مشتریان پر مصرف برق از رو بسته است. قبض‌های نجومی، پاسخی است به کسالتی که الگوی مصرف را زیر پا می‌گذارند، اما این تهدید در میان بحرانی عمیق‌تر از خاموشی‌ها و کم‌آبی‌ها رنگ می‌یابد. سدهای کشور، با مخازنی که تا ۵۷ درصد خالی شده‌اند، فریاد کم‌آبی سر می‌دهند و بارش‌های ناچیز، کابوس خشکسالی را پررنگ‌تر کرده‌اند. در همین حال، نمایندگان مجلس، معترض به خاموشی‌های گسترده و مدیریت ضعیف، طرح استیضاح وزیر نیرو را کلید زده‌اند، با امضاهایی که هر روز بیشتر می‌شود و گویی به یکصد امضا رسیده است. اما آیا این استیضاح، گره‌ای از مشکلات باز می‌کند؟ در سایه قطعی‌های برق، ماینرهای بیت‌کوین بارانه‌های ملی را به دلار تبدیل و در مقابل مردم عادی با قبض‌های سنگین و قطعی‌های آب و برق دست و پنجه نرم می‌کنند. داستان تقابل پر مصرف‌ها، وزارت نیرو و مجلسیان را در این گزارش می‌خوانیم، جایی که در گرمای تابستان، نه تنها آب و برق، بلکه صبر مردم نیز رو به پایان است.

❖ وزارت نیرو و شمشیر قبض‌های نجومی در گرمای طاقت‌فرسای تابستان، وزارت نیرو با هشدار ی تند به میدان آمده است. عبدالامیر یاقوتی، مدیر کل مدیریت انرژی، اعلام کرده که از ۴۲ میلیون مشترک برق کشور، ۳۳ میلیون خانگی‌اند و ۲۲ درصد از کل برق را مصرف می‌کنند. صنعت با ۲۶.۵ درصد، کشاورزی با ۱۷ درصد و بخش عمومی و تجاری با ۱۱ و ۶ درصد در رده‌های بعدی‌اند. اما این اعداد، تنها بخشی از داستان‌اند. برای مدیریت تقاضا، تعرفه‌های برق پلکانی طراحی شده‌اند: مصرف زیر ۳۰ کیلووات‌ساعت، از آن است، اما اگر از ۱.۵ برابر الگوفرا تر برود، قبض‌ها نجومی می‌شوند. یاقوتی توصیه می‌کند که کولرهای آبی و بسترن در و پنجره‌ها در ساعات گرم، مصرف را کاهش می‌دهد.

او همچنین از بی‌مسئله‌ت‌های برق‌خبر می‌دهد که از طریق سامانه تانیر (bime.tavanir.org.ir) خسارات ناشی از نوسانات یا قطعی برق را جبران می‌کند، هر چند بازگذاری مدارک برای دریافت خسارت، خود چالشی است. اما این سیاست‌ها برابر بحرانی که سدهای خالی و خاموشی‌های گسترده رقم زده‌اند، مانند قطره‌ای در کویر است.

❖ سدهای تشنه و کابوس کم‌آبی

سدهای ایران، قلب تپنده تأمین آب، حالا در آستانه بی‌جانی هستند. از ابتدای سال آبی تا ۱۱ مرداد، ورودی مخازن سدها ۴۲ درصد کاهش یافته و از ۴۰.۲ میلیارد مترمکعب در سال گذشته به ۲۳.۲۶ میلیارد مترمکعب رسیده است. خروجی سدها نیز با ۲۱ درصد کاهش، به ۲۵.۵ میلیارد مترمکعب افت کرده و حجم آب موجود در مخازن با ۲۶ درصد کاهش تنها ۲۲.۰۲ میلیارد مترمکعب است. ۵۷ درصد مخازن سدها خالی‌اند و سدهای استان‌هایی مانند تهران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و فارس در وضعیت بحرانی قرار دارند. بارش‌ها نیز قصه‌ای غم‌انگیز دارند: میزان بارندگی کشوری ۴۱ درصد کاهش نسبت به سال گذشته و ۳۹ درصد کمتر از میانگین درازمدت، به ۱۴۷.۴ میلی‌متر رسیده است. استان‌هایی مثل هرمزگان و سیستان و بلوچستان بدترین وضعیت را دارند و تنها گیلان بارشی نزدیک به نرمال دیده است. این کم‌آبی، نه تنها کشاورزی و صنعت، بلکه زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی را به مخاطره انداخته است.

❖ استیضاح وزیر و خشم نمایندگان

در راهروهای مجلس، صدای انتقاد بلند است. نمایندگان، معترض به خاموشی‌های گسترده و بحران آب، طرح استیضاح عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو را پیش می‌برند. بیش از ۱۰۰ امضا برای این طرح جمع شده و انتظار می‌رود به‌زودی تقدیم هیئت رئیسه شود. یکی از نمایندگان مجلس می‌گوید: «تا تازگی تشدید در آب و انرژی، نتیجه عملکرد ضعیف وزارت نیرو است. خاموشی‌ها نسبت به سال گذشته افزایش یافته و کمبود آب در تهران و بسیاری از استان‌ها زندگی را مختل کرده است.» او تأکید می‌کند که مردم حق دارند از طریق نمایندگان، مدیران ضعیف را پاسخگو کنند. ام‌روح‌الله لک علی‌آبادی، نماینده دورود و ازنا، استیضاح را پاک کردن صورت مسئله می‌داند و می‌گوید: «آیا با استیضاح، مشکل آب و برق حل می‌شود؟» او انگشت اتهام را به سوی ماینرهای بیت‌کوین نشانه می‌رود که با برق یارانه‌ای، ثروت‌های کلان به جیب می‌زنند. جالب آن که در جنگ ۱۲ روزه اخیر، قطعی برق کمتر بود، چون قطعی اینترنت، ماینرها را فلج کرده بود.

❖ ماینرها و چالشی پنهان

در سایه بحران آب و برق، ماینرهای بیت‌کوین به معضلی پنهان تبدیل شده‌اند. روح‌الله لک علی‌آبادی فاش می‌کند که عده‌ای با یا بدون مجوز، در مزارع بزرگ، برق یارانه‌ای را برای استخراج بیت‌کوین مصرف می‌کنند و ثروت‌های هنگفتی به دلار، به دست می‌آورند. این فعالیت، که بار سنگینی بر شبکه برق تحمیل می‌کند، در حالی ادامه دارد که مردم عادی با خاموشی‌های چندساعته و قبض‌های سنگین دست و پنجه نرم می‌کنند. او اشاره می‌کند که در زمان قطعی‌های اینترنت طی جنگ ۱۲ روزه، مصرف برق کاهش یافت، چون ماینرها از کار افتاده بودند. این تناقض، خشم عمومی را برانگیخته و پرسش‌هایی جدی درباره اولویت‌های وزارت نیرو ایجاد کرده است. آیا منابع ملی باید صرف سودجویی عده‌ای معدود شود یا زندگی میلیون‌ها ایرانی را نجات دهد؟

❖ آینده‌ای در گرو خرد و اقدام

بحران آب و برق، ایران را در تنگنایی بی‌سابقه قرار داده است. سدهای خالی، بارش‌های ناچیز و خاموشی‌های گسترده، زندگی روزمره را فلج کرده‌اند. وزارت نیرو با تهدید به قبض‌های نجومی، سعی در کنترل مصرف دارد، اما این سیاست‌ها برابر زیرساخت‌های فرسوده و سوءمدیریت کمرنگ‌اند. استیضاح وزیر نیرو شاید خشم نمایندگان را تسکین دهد، اما گره‌ای از مشکلات مردم باز نمی‌کند. ماینرهای بیت‌کوین، که برق یارانه‌ای را می‌بلند، کشاورزی سنتی و آب مجانی برای بخش کشاورزی که صحنه‌های آخرالزمانی برای ایران آفریده است و با زنده‌ی زیر ۴۰ درصد بالغ بر هشتاد درصد آب استحصالی مملکت را هدر می‌دهد؛ تنها بخشی از این بحران‌اند. بدون مدیریت خردمندانه، زندگی و حیات ایران و ایرانیان نیز در خطر است.



از «بچه عجیب» تا ستاره فرش قرمز

انیمه چگونه از حاشیه‌های فرهنگ به مرکز توجه جهانی رسید؟



رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

ویدئو و دیزنی پلاس، در کنار پلتفرم‌های تخصصی، دسترسی به انیمه را از زاین فراتر بردند و به میلیون‌ها خانه در پنج قاره رساندند. فقط در سال ۲۰۲۲، بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در جهان انیمه تماشا کردند؛ رقمی حیرت‌انگیز که انیمه را در رده محبوب‌ترین سرگرمی‌های تصویری جهان قرار داد. در همین دوره، فیلم‌هایی چون «شیطان کش: قطار موگن» توانستند از مرزهای معمول فروش عبور کنند. این انیمه سینمایی، در سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در گیشه جهانی فروخت؛ آن‌هم در دوره‌ای که هالیوود با توقف تولید مواجه شده بود. این پیروزی بی‌سابقه، نه فقط نشانه قدرت انیمه، بلکه گواهی بود بر نیاز مخاطب به تجربه‌هایی متفاوت، غیردیتجیتالی و عاطفی.

با ورود جهان به قرنطینه و دورانی که خیابان‌ها خالی و دل‌ها سنگین بود، مخاطبانی که شاید سال‌ها انیمه ندیده بودند، دوباره به سراغش رفتند. برای بسیاری، بازبینی انیمه قدیمی محبوب‌شان، نوعی سفر به گذشته و پناه بردن به آرامش بود. برخی دیگر، تازه به جهان انیمه وارد شدند و شیفته روایت‌هایی شدند که فراتر از کلیشه‌های کودکانه، از دغدغه‌های واقعی زندگی حرف می‌زدند. انیمه‌ها بر خلاف ظاهر کارتونی‌شان، اغلب با پیچیدگی‌های روانی، شکست‌ها، اضطراب‌ها و امیدهای انسانی درگیرند. آثاری مثل حمله به تایتان یا دفتر چه مرگ جهان را با چنان تلخی و تلاغویی ترسیم می‌کنند که بیننده، فارغ از سن، از

عکس روز

رژه غول‌های آهنی در قلب دربی

بزرگ‌ترین گردهمایی ریلی جهان در کارخانه آلستوم دربی انگلستان با نمایش ۱۴۵ قطار



دیزل و ۳۵ برقی، تماشاگران را به سفری از قرن نوزدهم به آینده برده است. بیش از ۸۰ درصد بازدیدکنندگان با دوربین و گوشی‌های‌شان این لحظات را ثبت کرده‌اند و صف‌های طولانی برای تورهای هدایت‌شده که روزانه ۴۰۰ نفر را میزبانی می‌کنند و کارگاه‌های آموزشی با حضور مهندسان ریلی، شکل گرفته است.

ریشه‌های تاریخی: تولد راه‌آهن مدرن
«بزرگ‌ترین تجمع» بخشی از گرامیداشت دوپستیمین سالگرد راه‌آهن استاکتون و دارلینگتون است که در ۲۷ سپتامبر ۱۸۲۵ با لوکوموتیو شماره ۱، حمل‌ونقل عمومی را متحول کرد. کارخانه دربی که از سال ۱۸۳۹ قطارسازی را آغاز کرده و از سال ۱۸۷۶ تحت مالکیت شرکت راه‌آهن میدلند فعالیت می‌کند، در سال ۲۰۲۲ به‌عنوان مرکز آینده راه‌آهن بزرگ بریتانیا برگزیده شد. این رویداد، با نمایش قطارهایی چون کلاس ۱۰۰۰ میدلند، ساخته سال ۱۹۰۲ با واگن چوبی و کلاس ۴۳ اچ‌اس‌تی با رکورد سرعت ۱۴۸ مایل در ساعت در سال ۱۹۸۷، پیوندی میان گذشته و آینده صنعت ریلی ایجاد کرده است.
عواید این جشنواره که بالغ بر ۱.۴ میلیون پوند برآورد

نوآوری سبز: آینده‌ای پایدار در ریل‌ها
این جشنواره نه‌تنها نگاهی به گذشته دارد، بلکه آینده صنعت ریلی را نیز ترسیم می‌کند. آلستوم با نمایش قطار هیدروژنی «کوروبلیس‌آی‌لینت» با ظرفیت ۲۵ مسافر و برد ۱۰۰۰ کیلومتر، گامی بزرگ در جهت حمل‌ونقل بدون کربن برداشته است. این قطار که در سال ۲۰۲۴ برای اولین بار در بریتانیا آزمایش شد، با انتشار صفر کربن و مصرف ۳۰ درصد انرژی کمتر نسبت به مدل‌های دیزلی، مورد توجه شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی قرار گرفته است.



واشنگتن پست آمریکا در میان عکس‌های کمک‌های غذایی اِردن به غزه عکس که توسط ارتش اسرائیل منتشر شده، برخورد کرده در آن ویرانی یک مدرسه توسط بمباران ارتش جنتاکنار رژیم صهیونیستی، مشهود است.



فیلم کمدی «سلاح عریان» با بازی لیام نیسون و یاملا اندرسون، بازسازی سری کلاسیک دهه ۸۰ و ۹۰، با استقبال چشمگیر مواجه شده و در راتن تومیتوز امتیاز ۹۱ درصد از منتقدان و ۸۱ درصد از تماشاگران را کسب کرده است. نیسون در نقش فرانک دربین جونیور با طنز خشک و اجرای درخشان، به‌ویژه در تمسخر نقش‌های اکشنش، بسیار تحسین شده است. فیلم با شوخی‌های تند و نوستالژیک، لذتی ناب به مخاطبان عرضه کرده است. شایعات رابطه عاشقانه نیسون و اندرسون نیز توجه‌ها را جلب کرده: نیسون، اندرسون را «بی‌نظیر» و او نیسون را «جنتلمن کامل» خوانده است. نیسون در اکران فیلم با کنایه طنزآمیز به پدرو پاسکال گفت: «این فیلم نه زامبی دارد، نه ابرقهرمان و نه پدرو پاسکال!» گفتنی است «سلاح عریان» به‌عنوان کمدی موفق ۲۰۲۵، جایگاه ویژه‌ای نیز در گیشه یافته.

پنگه دنیا

ملت مسلح، وطن مجروح

با گذشت تنها هفت ماه از سال ۲۰۲۵، ایالات متحده بیش از ۲۵۰ تیراندازی جمعی را تجربه کرده‌است



شدند. دامنه این حوادث نه محدود به کلانشهرهاست، نه به نواحی حاشیه‌ای؛ آنها همه‌جا هستند.

از سوگواری تا فراموشی: چرخه‌ای بیمار
واکنش جامعه آمریکا به تیراندازی‌های جمعی، در اغلب موارد، الگوی تکراری دارد: ابتدا شوک، سپس سوگواری، اندکی بعد اعتراض‌های پراکنده و در نهایت، فراموشی. رسانه‌ها لحظاتی از درد را ثبت می‌کنند، سیاستمداران پیام تسلیت می‌دهند، چند روزی گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی بالا می‌گیرد اما هیچ چیز تغییر نمی‌کند. این چرخه معیوب، نه فقط نشان‌دهنده ناتوانی سیستم در مهار بحران، بلکه آشکارکننده نوعی تسلیم فرهنگی است: انکار تیراندازی جمعی، بخشی اجتناب‌ناپذیر از «هویت آمریکایی» شده باشد. اما آیا راهی هست؟ پاسخ کارشناسان ساده نیست. برخی معتقدند بدون اصلاح اساسی در نظام مالکیت سلاح و ساختار حقوقی مرتبط با آن، هیچ تغییری پایدار نخواهد بود. برخی دیگر بر تقویت سلاامت تأکید دارند. اما نقطه مشترک تمامی مداخلات مجلی تأکید دارد. اما نقطه مشترک تمامی راهکارها، نیاز به اراده سیاسی و اجماع اجتماعی است، چیزی که در فضای امروز آمریکا کماب است. ایالات متحده، با وجود تمام پیشرفت‌های فناوریانه، قدرت اقتصادی و نهادهای دموکراتیکش، گرفتار تناقضی خطرناک است: کشوری که همزمان پرچم آزادی را برافراشته و ماشه خشونت را کشیده و متمم دوم قانون اساسی که قرار بود حافظ آزادی باشد، اکنون در موارد بی‌شماری به سلاحی علیه امنیت بدل شده است.



مارگورابی غول پیکر می‌شود!

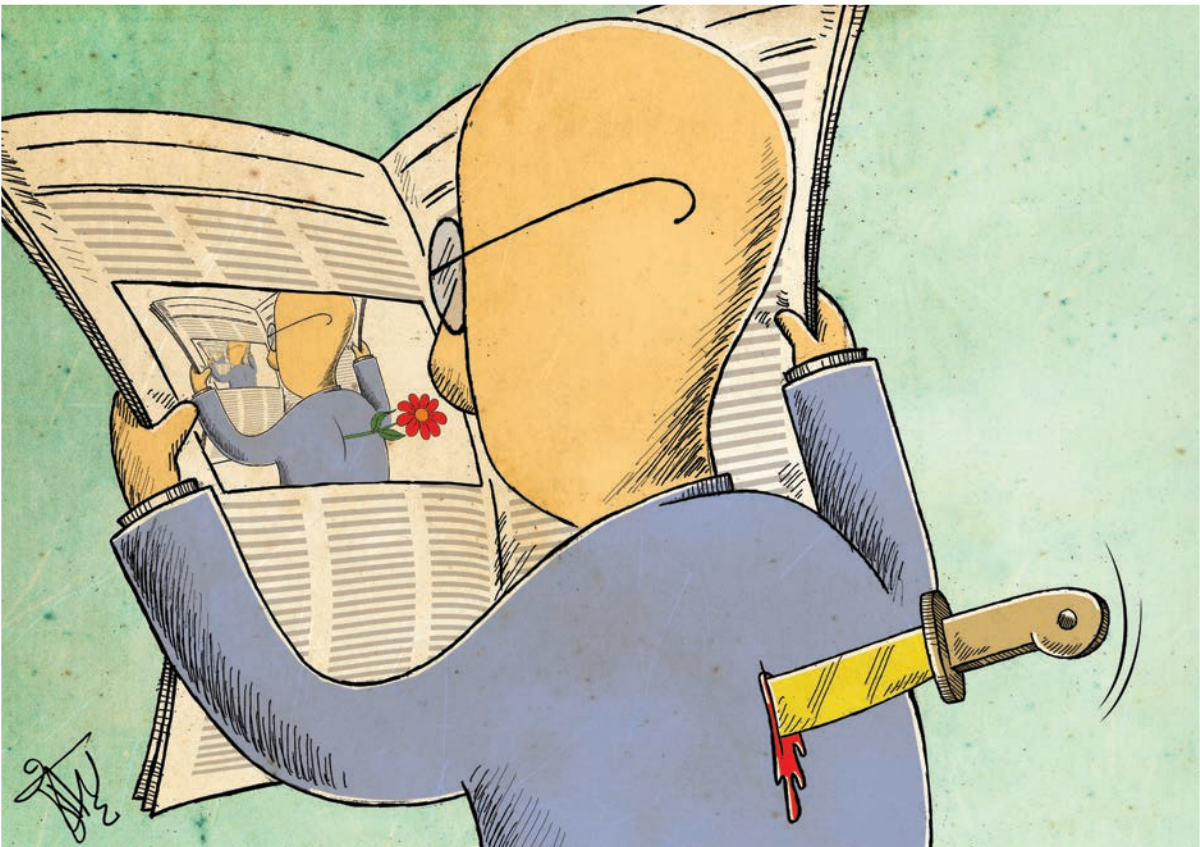


فروش ۱.۴ میلیارد دلاری‌اش، می‌تواند به این نقش عمق وجاذبت ببخشد. فیلمبرداری با بودجه ۸۰ میلیون دلاری برای تابستان ۲۰۲۶ برنامه‌ریزی شده و اکران احتمالی آن در بهار ۲۰۲۷ خواهد بود. هواداران در ایکس این پروژه را «بازگشت باشکوه برتون» می‌خوانند، باید دید بازگشت با شکوه رابی پس از بازی نری خواهد بود؟

ایالات متحده در مسیر پرخطری پیش می‌رود؛ مسیری که در آن نه تنها جنایت، بلکه شکل خاصی از آن، یعنی تیراندازی جمعی، به الگویی تکرارشونده تبدیل شده است. نگاهی به داده‌های ۱۰ ساله از آرشیو خشونت با سلاح (Gun Violence Archive) نشان می‌دهد که نه تنها ابعاد این فاجعه کوچک نشده، بلکه شدت، گستره و تکرارش به‌نحوی خیره‌کننده افزایش یافته است.

در سال ۲۰۱۴، تعداد تیراندازی‌های جمعی در آمریکا ۲۷۳ مورد بود. تا سال ۲۰۱۹، این عدد به ۴۱۳ مورد رسید؛ اما نقطه انفجار در سال ۲۰۲۰ رقم خورد، سال آغاز همه‌گیری جهانی، یعنی زمانی که ۶۱۰ تیراندازی ثبت شد. سال بعد، در ۲۰۲۱، رکورد ۶۸۹ تیراندازی شکسته شد، یعنی به‌طور میانگین حدود ۲ حادثه در هر روز. حتی در سال‌هایی که اندکی از شدت این رخدادها کاسته شد، مانند ۲۰۲۲ (۶۴۴ مورد) یا ۲۰۲۳ (۶۵۹ مورد)، سطح خطر همچنان به‌شدکی هشدارآمیز بالا باقی ماند. به گزارش سسی‌ان‌ان، در سال ۲۰۲۴ این عدد به ۵۰۳ مورد کاهش یافت اما در نیمه‌نخست ۲۰۲۵، نیز، ۲۵۶ مورد تیراندازی جمعی تا ابتدای اوت گزارش شده است. با چنین روندی، رسیدن به رکوردهای قبلی چندان دور از ذهن نیست، به‌ویژه در فصل‌های گرم‌تر سال که آمار خشونت‌های خیابانی به‌طور معمول و مرسوم بالا می‌رود.

کرونا، ماشه خشونت را کشید
همه‌گیری کووید-۱۹ را می‌توان نسه عامل، بلکه شتاب‌دهنده یک بحران مزمن دانست. پژوهشی که در ژورنال علمی «جاما اوپن نتورک» منتشر شده نشان می‌دهد که از آوریل ۲۰۲۰ تا ژوئیه ۲۰۲۱، تعداد تیراندازی‌های جمعی به‌طور تقریبی ۲ برابر شد. ژوئیه ۲۰۲۰ به‌تنهایی ر رکورد بی‌سابقه‌ای از این خشونت‌ها را ثبت کرد. این افزایش، همزمان بود با قرنطینه، تنش‌های اقتصادی، بیکاری گسترده، اختلالات روانی و اضطرابی که جامعه آمریکا را فرا گرفته بود. مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا (CDC) نیز در گزارش‌های خود تأیید می‌کند که نرخ قتل با سلاح گرم در سال ۲۰۲۰ به بالاترین حد خود از سال ۱۹۹۴ رسید. از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰، نرخ کلی قتل‌های با اسلحه حدود ۳۵ درصد افزایش یافت. افزایشی که نه در جنگ یا کودتا، بلکه در دل یک جامعه مدرن و متمدن روی داد.



عشق به ایران و فرهنگ یارسی

دپیر صفحہ آخر | خسرو سینائی، زادہ ۲۹ دی ۱۳۱۹ در ساری،

یکی از برجسته‌ترین فیلم‌سازان، مستندسازان و شاعران ایران بود که به آثار عمیق و انسان‌محور، تأثیری ماندگار بر سینمای ایران گذاشت. او در خانواده‌ای فرهنگی رشد کرد؛ پدرش پزشک بود و محیط خانواده‌اش شوق فراوانی برای هنر و هنر و ادبیات، سبببانی از کردگی به موسیقی، نقاشی و ادبیات گسترش داشت و بن علایق در آثار چندوجهی او بازتاب یافت. او در دبیرستان البرز نهران تحصیل کرد و سپس برای ادامه تحصیل به اتریش رفت. در وین، در آکادمی موسیقی و هنرهای نمایشی در رشته‌های کارگردانی فیلم و فیلم‌نامه‌نویسی و در دانشگاه وین در رشته معماری تحصیل کرد. این تحصیلات متنوع، دیدگاه او را به هنر و بینمایی کرد.

سینمایی پس از بازگشت به ایران در اواخر دهه ۱۳۲۰، فعالیت حرفه‌ای خود آغاز کرد و او ابتدا در وزارت فرهنگ و هنر مشغول شد و سپس به ساخت فیلم‌های مستند و داستانی پرداخت. اولین فیلم به نام «زند بیداد» (۱۳۵۸)، داستان جوانی بود که پس از انقلاب ۱۳۵۷، به دنبال هویت و جایگاه خود در جامعه‌ای در حال تحول است. این فیلم، که به باوجود اندک ساخته شد، نشان‌دهنده سبک خاص سینمایی در ترکیب عناصر مستند و داستانی بود. او به دلیل نگاه شاعرانه و انسان‌محور، اغلب از سوی منتقدان با کارگردانان موج نو سینمای ایران مقایسه می‌شود. اما سبک او منحصر بفرد بود.

یکی از مهم‌ترین آثار سینمایی، فیلم «عروس آتش» (۱۳۷۸) است. این فیلم، که داستان عشقی تراژیک در پس‌زمینه فرهنگ خوزستان را روایت می‌کند، به موضوعاتی چون سنت، مدرنیته و نقش زنان در جامعه می‌پردازد. «عروس آتش» در جشنواره‌های



گلستان نامہ

باب چهارم، در فواید خاموشی

حکایت: یکی را از حکما شنیدم که می‌گفت: هرگز کسی به جهلِ خویش اقرار نکرده است مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته، سخن‌آغا کند.

سخن را سراسر است ای خردمند و بُن
میاور سخن در میان سخن

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش
نگوید سخن، تا نبیند خموش

مرز پر گھر

مازندران

استان مازندران، در حاشیه جنوبی دریای خزر، به دلیل طبیعت بکر، جنگل‌های انبوه، سواحل زیبا، چشمه‌ها، آبشارها و بیلاط، یکی از محبوب‌ترین مقاصد گردشگری ایران است. این استان با آب‌وهوای معتدل، هوای پاک و جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی، هر ساله گردشگران بسیاری را به خود جذب می‌کند. از جنگل‌های افسر تادر پارک‌های یار و روستاهای بیلاقی، مازندران مقصدی ایده‌آل برای طبیعت‌دوستان و علاقه‌مندان به گردشگری است.

جواہر دہ: ییلاقی رویایی

جواهرده، روستایی ییلاقی در ۲۷ کیلومتری
امسر، یکی از زیباترین مقاصد مازندران است.
در روستا آب و هوای خنک، مناظر سرسبز،
چشمه‌های زلال و کلبه‌های سنتی، بهشتی
برای گردشگران است. جاده جواهرده، با
پیچ و خم‌هایش در میان جنگل‌های انبوه،
خود به تنهایی یک جاذبه است. در این روستا
توانید از آبشارهای کوچک، پیاده‌روی در
طبیعت و اقامت در خانه‌های بوم‌گردی لذت
برید. جواهرده در تابستان به دلیل خنکی
فرود و پاییز به دلیل رنگ‌های خیره‌کننده
جنگل، بسیار محبوب است.

جنگل‌های دوهزار و سه هزار

جنگل‌های دوهزار و سه‌هزار در تنکابن، از پیاثرین جنگل‌های هیرکانی ایران هستند. این جنگل‌ها بادرختان سر به‌فلک کشیده، و دودخانه‌های خروشان و مسیرهای پیاده‌روی، قصه‌ای عالی برای طبیعت‌گردی هستند.

جاده دسترسی به این جنگل ها، با مناظر مه آلود و دشت های سرسبز، تجربه ای مسحور کننده ارائه می دهد. در این منطقه امکان کمپینگ، عکاسی و لذت بردن از سکونت طبیعت وجود دارد. چشمه های آب گرم و آبشارهای کوچک نیز به جذابیت این جنگل ها افزوده اند.

◀ دریاچه چورت (میانسه)

دریاچه چورت، در نزدیکی کایسار در شهرستان ساری، یکی از زیباترین دریاچه‌های طبیعی مردمان است. این دریاچه که به اثر زلزله‌ای در دهه ۱۳۱۰ شکل گرفته، با آب زلال و انعکاس جنگل‌های اطراف، منظره‌ای خیره‌کننده دارد. دریاچه چورت برای قایق‌سواری، ماهیگیری و عکاسی بسیار مناسب است. مسیر دسترسی به دریاچه، با عبور از جنگل‌های انبوه، تجربه‌ای ماجراجویانه را به گردشگران هدیه می‌دهد. بازدید از این دریاچه، در بهار و تابستان با رنگ‌های متنوع طبیعت، توصیه می‌شود.

📍 دریاچه عباس آباد

مجموعه تاریخی و طبیعی عباس آباد در بهشت یکی از جاذبه‌های ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو است. این مجموعه شامل دریاچه‌ای زیبا، باغ‌های تاریخی و عملیاتی متعلق به دوره صفویه است. دریاچه عباس آباد بادرختانی که از میان آب سر برآورده‌اند فضایی آرام و مناسبتی دارد. مسیرهای پیاده‌روی، قایق سواری و بازدید از باغ‌های تاریخی، این مکان را به مقصدی جذاب برای گردشگران تبدیل کرده است. این مجموعه به نمونه‌ای برجسته از معماری و باغ‌سازی ایرانی است.

🔴 **آبشار او بن**

ابشار او بن، در منطقه دودانگه ساری، یکی

روستادر تابستان به دلیل خنکی هوا در پاییز به دلیل رنگ‌های متنوع طبیعت، مقصدی پرترفدار است. اقامتگاه‌های بوم‌گردی و امکان کمپینگ، جذابیت این منطقه را دوچندان کرده‌اند.

📍 ساحل رامسر و تله کابین

رامسر، معروف به «روس شهرهای ایران»، با سواحل زیبا، جنگل‌ها و امکانات تفریحی، یک آماجوب‌تر، شهرهای ما؛ ندارد. این

تله کاپین رامسر، که از س

جنگلی امتداد دارد، چشم‌اندازی بی‌نظیر از دریای خزر و جنگل‌ها را ارائه می‌دهد. ساحل رامسر با امکانات رفاهی مانند رستوران‌ها و تفریحات آبی، مکانی عالی برای خانواده‌ها و گردشگران است. کاخ رامسر، با باغ‌های تاریخی و معماری زیبا، نیز در این شهر قرار

دارد و از جاذبه‌های تاریخی منطقه است.

📍 پارک جنگلی سی سنگان

پارک جنگلی سی‌سنگان، در نزدیکی نوشهر، یکی از زیباترین پارک‌های جنگلی شمال ایران است. این پارک با جنگل‌های انبوه، ساحل شنی و امکانات تفریحی مانند دوجر خم‌سواری و پیاده‌روی، مقصدی عالی برای گردشگران است. نزدیکی جنگل به دریا، امکان لذت‌بردن از هر دو منظره را به‌طور هم‌زمان فراهم می‌کند. سی‌سنگان همچنین زیستگاه گونه‌های نادر گیاهی و جانوری است و برای علاقه‌مندان به طبیعت گردی بسیار جذاب است.

📍 **باداب سورت: چشمه های یلکانی**

چشمه‌های باداب سورت، در نزدیکی ساری، یکی از منحصر به فردترین جاذبه‌های طبیعی

ایران است. این چشمه‌های پلکانی با رنگ‌های نارنجی، زرد و قرمز، که به دلیل املاح معدنی شکل گرفته‌اند، منظره‌ای بی‌نظیر دارند. بادهاب سورت، دومین چشمه پلکانی جهان پس از یامو کاله ترکیه، مقصدی محبوب برای عکاسان و گردشگران است. بازدید از این چشمه‌ها در بهار و پاییز، به دلیل آب‌وهوای مناسب و رنگ‌های زنده، توصیه می‌شود.

◀ نمک آبرود: شهرک گردشگری

شهرک گردشگری نمک ابورد، در نزدیکی جالوس، یکی از کامل ترین مجموعه های تفریحی مازندران است. تالیه کاین نمک ابورد با چشم اندازی از جنگل و دریا، یکی از بهترین تجربه های گردشگری در این منطقه است. این شهرک همچنین دارای امکاناتی مانند شهر بازی، سور تمه، کار تینگ و رستوران های متنوع است. جنگل های اطراف و مسیرهای پیاده روی، نمک ابورد را به مقصدی مناسب برای خانواده ها و گروه های دوستانه تبدیل کرده اند.

🔴 جاده چالوس: مسیر بهشتی

جاده چالوس، یکی از زیباترین جاده‌های جهان، مسیری است که تهران را به نژادان متصل می‌کند. این جاده با پیچ‌وخم‌هایش در میان کوه‌ها، رودخانه‌ها و جنگل‌ها، مناظری خیره‌کننده دارد. توقف در مسیر برای عکاسی، لذت بردن از طبیعت و بازدید از روستاهای اطراف مانند کندلوس، بخشی از جذابیت این جاده است. جاده چالوس در فصل زمبایی خاص خود را دارد، اما پاییز با رنگ‌های گرم جنگل‌ها، بی‌نظیر است.